

پاسخنامه مدارس شهرستان

پایه :	۲	موضوع :	نحو ۲
تاریخ :	۹۲/۰۳/۰۶	ساعت :	۱۸

نام کتاب: شرح ابن عقیل از باب الإبتداء تا اول فاعل + تجزیه و ترکیب نیمه اول جزء ۳۰ قرآن کریم

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. کدام گزینه در مورد جمله «أقائم أبواه زید» صحیح است؟
 ب. ۱۷۸
 ا. قائم می‌تواند مبتدای وصفی باشد چون تکیه بر استفهام دارد
 ب. زید مبتدای مؤخر است
 ج. ابواه متم کلام است
 د. قائم می‌تواند مبتدای وصفی باشد چون رافع ابواه است
۲. مجوز ابتدا به نکره در مثال «مؤمن خیر من کافر» چیست؟
 ا. مبتدا، جانشین موصوف شده است
 ب. مبتدا، عمل کرده است
 ج. مبتدا، وصف است
 د. خبر، جار و مجرور مختص است
۳. در کدام گزینه، همزه «أن» واجب الفتح است؟
 ا. قال انی عبد الله
 ب. ان زیداً قائم
 ج. خرجت فاذا ان زیداً قائم
 د. یعجبنی انک قائم
۴. در مثال «لا رجل ظریف فی الدار»، حکم نعت اسم «لا» از جهت اعراب چیست؟
 ا. نصب و رفعش جایز است
 ب. رفع و نصب و مبنی بودن بر فتح جایز است
 ج. نصبش واجب است
 د. واجب است مبنی بر فتح شود

سؤالات تشریحی:

* و المفرد الجامد فارغ و إن / یُشتقُّ فهو ذو ضمیر مستکن

۱. با توجه به بیت، چگونگی خبر مفرد را از نظر تحمل «ضمیر مستتر» توضیح دهید. ۱۹۳
 اگر خبر مفرد، جامد باشد، ضمیر مستتری در خود ندارد مثل: زید اخوک، و اگر ضمیر مشتق باشد و اسم ظاهری را رفع نداده باشد، متحمل ضمیری مستتر است مثل: «زید قائم» ای هو.
۲. در دو مثال «کان فی الدار صاحبها» و «کان أخی رفیقی»، تقدیم خبر کان بر اسمش چه حکمی دارد؟ چرا؟ ۲۵۳
 لا یجوز فی «کان فی الدار صاحبها» تقدیم الاسم علی الخبر بل یجب تقدیم الخبر علی الاسم لئلا یعود الضمیر علی متأخر لفظاً و رتبة. در مثال «کان أخی رفیقی» تقدیم خبر جایز نیست چون اعراب کلمات ظاهر نیست و با تقدیم خبر، خبر بودنش تشخیص داده نمی‌شود.

* إذا وقع بعد خبر ما عاطفٌ فلا یخلو إما أن یكون مقتضياً للایجاب أو لا. فان کان مقتضياً للایجاب تعین رفع الاسم الواقع بعده و إن کان الحرف العاطف غیر مقتضٍ للایجاب جاز النصب و الرفع. ۲۸۴

۳. ا. مراد از عاطف مقتضی ایجاب و غیر مقتضی ایجاب چیست؟ ب. برای هر کدام از دو مورد فوق یک مثال بزنید.
 ا. عاطف مقتضی ایجاب مثل بل و لکن و عاطف غیر مقتضی ایجاب مثل واو و وفاء
 ب. ۱. ما زید قائماً لکن قاعدٌ ۲. ما زید قائماً و لا قاعداً و لا قاعدٌ.

* بعد عسی اخلولق أوشک قد یرد / غنی بـ «أن یفعل» عن ثانٍ فقد ۳۱۳
 ۴. شعر را کاملاً توضیح داده، بر مثال «عسی أن یقوم» تطبیق دهید.

عسی، اخلولق و أوشک هم ناقصه استعمال می‌شوند و هم تامه، که تامه احتیاج به منصوب و خبر ندارد، بلکه «أن يفعل» به تأویل مصدر رفته، در موضع رفع قرار گرفته و عسی به آن اسناد داده می‌شود، چنان‌که در مثال، عسی به آن يقوم اسناد داده شده است.

* و سَمَى ضمیر الفصل لَأنَّه یفصل بین الخبر و الصفة و شرط ضمیر الفصل ... ۳۴۱

۵. کاربرد ضمیر فصل را در ضمن مثالی توضیح داده، شرط آن را بنویسید.

ضمیر فصل ضمیری است که بین مبتدا و خبر قرار می‌گیرد تا گمان نشود آن خبر، صفت برای مبتدا است، مثلاً در «زید هو القائم» اگر هو نباشد، ممکن است توهم شود قائم صفت زید است نه خبر آن. شرطش آن است که این ضمیر فصل بین مبتدا و خبر یا آن‌چه قبلاً مبتدا و خبر بوده است (منسوخات) قرار گیرد.

* لا التي لنفی الجنس و المراد بها لا التي قصد بها التنصيص على استغراق النفی للجنس کله. ۳۶۰

۶. ا. عبارت را توضیح داده، منظور از قید «تنصيص» را بنویسید. ب. عمل لا نفی جنس را ذکر نمایید.

ا. مراد از لای نفی جنس، آن است که صراحتاً جنس اسم لا، نفی گردد و این نفی، فراگیر بوده، استغراق داشته باشد، و انما قلت «التنصيص» احترازاً عن التي يقع الاسم بعدها مرفوعاً نحو «لا رجل قائماً» فانها ليست نصّاً فی نفی الجنس إذ یحتمل نفی الواحد و نفی الجنس. ب. عملش نصب به اسم و رفع به خبر است.

۷. الغاء یا تعلیق افعال قلوب در مثال‌های زیر جاری می‌شود یا نه؟ چرا؟

- ۳۹۱ ا. صیرت الطین خزفاً ج. خزفاً: الغاء یا تعلیق نمی‌شود، چون این دو در افعال تصبیر راه ندارند
- ۳۹۵ ب. ظننت لموسی قائم ج. قائماً: تعلیق می‌شود چون لام در کموسی، مانع از عمل است لفظاً
- ۳۹۶ ج. موسی علمت قائم ج. قائماً: الغاء می‌شود، چون فعل قلبی وسط مبتدا و خبر واقع شده است

* «إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا * وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا». (سوره نباء/ ۲۸-۲۷)

۸. ا. کلمات معین شده «لَا يَرْجُونَ، حِسَابًا، كَذَّبُوا، كِذَّابًا» را تجزیه کنید. ب. محل اعرابی جمله «لَا يَرْجُونَ حِسَابًا» را بنویسید.

لا يرجون: فعل مضارع منفی، از ثلاثی مجرد، متعدی، یک مفعولی، معلوم، صیغه سوم

حساباً: مصدر ثلاثی مجرد

كذَّبوا: فعل ماضی، از باب تفعیل، صیغه سوم، معلوم

كذابا: مصدر سماعی باب تفعیل.

ب. این جمله محلاً منصوب و خبر برای «كانوا» می‌باشد.

* «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى * إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى». (سوره نازعات/ ۱۶-۱۵)

۹. ا. دو آیه مذکور را ترکیب کنید. ب. کلمات مشخص شده را تجزیه نمایید. «أتى - حدیث - نادى - المقدس»

أتاك: فعل و مفعول - حدیث موسی: مضاف و مضاف‌الیه، فاعل برای اتیک - إذ: ظرف زمان متعلق به حدیث یا عامل محذوف، حال برای

حدیث - ناداه: فعل و مفعول - ربّه: مضاف و مضاف‌الیه، فاعل نادى - بالواد: جار و مجرور، حال برای ضمیر مفعولی ناداه - المقدس: صفت

برای الوادى - طوى: عطف بیان یا بدل برای وادى.

أتى ج. فعل ماضی ثلاثی مجرد، متعدی، صیغه اول، مهموز الفاء، معلوم حدیث ج. صفت مشبّهه

نادى ج. فعل ماضی از باب مفاعلة، متعدی، معلوم، صیغه اول المقدس ج. اسم مفعول از باب تفعیل